

آموزش و پرورش تطبیقی<sup>۱</sup>علیرضا عصاره<sup>۱</sup>، نسرین اوزاعی<sup>۲</sup>، مجتبی دهدار<sup>۳</sup>، لیلا سایگانی<sup>۴</sup>

۱- دکتری برنامه ریزی درسی و آموزشی دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

۲- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

۳- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک و مدرس دانشگاه فرهنگیان ایران شهر

۴- دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان ایران شهر

## چکیده

مطالعه ادبیات "فراتر از محدوده یک کشور خاص"، و مطالعه روابط بین ادبیات از یک سو و دیگر زمینه های دانش و اعتقاد، مانند هنر، فلسفه، تاریخ، علوم اجتماعی، علوم، دین و غیره، از سوی دیگر است. به طور خلاصه، مقایسه یک ادبیات با دیگر ادبیات ها و مقایسه ادبیات با دیگر حوزه های اصطلاحات انسانی است. با این حال، ریمارک<sup>۲</sup> مقایسه های بین ادبیات و زمینه های ادبی بیشتر اگر آنها به عنوان "ادبیات تطبیقی" در نظر گرفته شوند، باید سیستماتیک، بین ادبی، قابل تفکیک و منسجم و خارج از ادبیات باشند به عبارت دیگر، از دیدگاه ریمارک مقایسه ادبی ممکن است به صورت تقابل ملی یا بین رشته ای باشد. این ویژگی ها شبیه به آموزش و پرورش تطبیقی هستند.

واژگان کلیدی: مقایسه، آموزش و پرورش، ادبیات، تطبیقی.

## مقدمه

در مورد موقعیت و نقش ادبیات تطبیقی در مطالعات ادبی ریمارک آن را نه به عنوان یک نظم مستقل، بلکه به عنوان یک رشته کمکی که هدف آن پل زدن طبیعی است تصور می کرد. اما زمینه های جداسده فیزیکی از خلاقیت انسان، یک درک جامع تر از ادبیات به عنوان یک کل را با گسترش تحقیقات ادبی از لحاظ جغرافیایی و عام می دهد. در حین شناخت همپوشانی بین ادبیات تطبیقی، ادبیات ملی و ادبیات جهان، ریمارک این موارد را ازهمدیگر تشخیص می دهد. اولاً، ادبیات تطبیقی فراتر از ادبیات ملی است. در مطالعه خود در مورد "تماس یا برخورد بین فرهنگ های مختلف، ... و مشکلات مربوط به ترجمه" (۱۹۷۱، ص ۸۰). دوم، ادبیات تطبیقی از ادبیات جهان در پنج حوزه متمایز است: فضایی، ادبیات تطبیقی نسبت به ادبیات جهان که دامنه جهانی دارد، حوزه جغرافیایی محدودتری دارد. از نظر زمان و کیفیت، ادبیات تطبیقی دامنه وسیع تری نسبت به ادبیات جهان دارد. که محدود به ادبیات مشهور جهان است که کیفیت آن تجربه تست و زمان را داراست، یا آثار اخیر که تحسین و تمجید زیاد خارجی را دریافت کرده اند. در نهایت و مهمتر از همه، ادبیات تطبیقی یک روش خاص - رویکرد تطبیقی - را تجویز می کند در حالی که ادبیات جهان این کار را نمی کند و معمولاً شاهکارهای فردی را به عنوان آثار مستقل مطالعه می کند. بنابراین، عنصر متمایز ادبیات تطبیقی متشکل از مطالعات متقابل فرهنگی ادبیات ملی است. بحث و جدل های بیشتر از تعریف تقریباً جامع ریمارک از ادبیات تطبیقی استفاده کرده است (بسنتی، ۱۹۹۳، توتوسی و زیپتنیک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). با تلاش برای تعریف رشته ادبیات تطبیقی و بازتاب حالت های نامنی ذهنی که در زمینه های تطبیقی

۱- این مقاله ترجمه است از زیر:

Comparative Education The construction of a Field

2 Remak

3 Bassnett, &amp; Tötösy &amp; Zepetnek,

مشاهده می شود. این بحث ها شبیه آموزش تطبیقی است و تمثیل مفهوم بوردیو از زمینه فکری است به عنوان یک سیستم از موقعیت ها و مخالفت در میان عوامل است رقابت برای تعریف منطقه غالب توپوگرافی فکری آنها است.

## ضرورت مطالعه زمینه های مقایسه ای

بحث بالا نشان داده است که گفتمان در مورد موقعیت، مرزها و مشارکت ویژه مقایسه ای مختلف رشته های علوم اجتماعی و علوم انسانی در ادبیات آموزش و پرورش تطبیقی نمود پیدا کرده است. مشکل تراشی های مداوم از آن چه که موضوع دقیقی از مطالعه زمینه تطبیقی مشخص و شاید مشخص تر از قلمرو علمی آن باشد زمینه ها یا رشته های شناخته شده، ویژگی مشترک تطبیقی زمینه های بررسی شده در بالا است. این زمینه ها عناصر زیر را پوشش می دهند. الف) نگرانی با مسائل نظری، عمومی سیستم " (سیاسی، قانونی، آموزشی) به عنوان هدف خاص مطالعه. ابعاد فضایی (رسیدن به اهداف از دو یا بیشتر زمینه های ملی)؛ و استفاده از روش مقایسه ای. ادبیات تطبیقی نوع دیگری از عناصر را شبیه به آموزش و پرورش تطبیقی میان رشته ای معرفی می کند. این زمینه ها یک ابزار رایج برای تحقیق - روش مقایسه ای به اشتراک می گذارند. هنوز نه تنها از لحاظ روش شناختی، بلکه همچنین به طور قابل ملاحظه ای متمایز از رشته های والدین است. که توزیع آن در بستری از ارائه بعنوان پل ارتباطی ملی با حوزه های فراملی، تک رشته ای با چند رشته ای مشخص می شود. این ضرورت زمینه های بین رشته ای تطبیقی است: برای غلبه بر تقسیم بندی انضباطی و دانش از بین رفته از لنزهای قوم گرایی استفاده می شود. در کنار هم با این معیارهای معرفت شناختی مشترک، تجسم این زمینه ها به موسسات دانشگاهی نیز به طور معمول حساسیت بالا را به نمایش می گذارد و دلایل عملی و اجتماعی - تاریخی متنوع که در استقرار و توسعه آنها دخالت می کند.

شاید به علت گستردگی هدف و تمرکز عمومی آن، هویت زمینه های تطبیقی معمولاً توسط حوزه های همسایه مورد توافق قرار می گیرد همانطور که بوریو<sup>۱</sup> آنرا بعنوان ویژگیهای مشترک در زمینه های فکری مشاهده کرده است. بنابراین، یک دیدگاه عجیب و غریب در مورد مقایسه گرها، به ویژه در مرحله "پیش علمی (ناپختگی علمی)"، در نوشتارهای فوق در زمینه های مختلف در مطالعات تطبیقی آمده است. کسانی که احساس همدردی ندارند قوانین تطبیقی را به عنوان بازیگر تئاتر برای نظریه پردازان فراری داشتن علائق خاص و قضاوت تطبیقی به عنوان قاضی که در کشور خود وانمود به متخصص بودن در قوانین خارجی می نماید در حالی که در خارج از کشور خود او را به عنوان متخصص در قانون کشور خود می دانند " (بوجدان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). به طور مشابه، مدیریت دولتی مقایسه ای نیز به عنوان "مجموعه ای از سفرهای عجیب و غریب از سیستم های سیاسی جهانی با قصد توصیف سیستم های مختلف اداره و با هر فرصت ایجاد یک مجموعه ای از داستان های سرگرم کننده بر اساس کار در زمینه "در نظر گرفته شده است.

مطالب فوق نشان داده است که زمینه های بین رشته ای مانند مطالعات تطبیقی همیشه با سوالات چالش برانگیز مواجه هستند: چه چیزی از موضوع مورد نظر شما ضروری است؟ تمام زمینه های ذکر شده فوق با این مسئله روبرو می شوند، بنابراین آموزش و پرورش تطبیقی است.

## آموزش و پرورش تطبیقی در علوم آموزشی

در این بخش، من به دنبال توضیح دادن زمینه های فرعی مختلف آموزش و پرورش و مطالعات و نقش خاص آموزش تطبیقی در این ترسیم رشته هستم. در میان آثاری که در جایگاه آموزش و پرورش تطبیقی در طی علو آموزشی بحث شده است. شامل افراد زیر است: کاون (۱۹۸۲)، میتر (۱۹۸۲)، گارسیا گاریدو (۱۹۹۶)، الیورا (۱۹۸۸، ۱۹۹۰)، فرر (۲۰۰۲) و مارتینز<sup>۳</sup> (۲۰۰۳).

کاون<sup>۴</sup> (۱۹۸۲، ص. ۱۱۹) به طور خلاصه تحولات مطالعات تحصیلی در قرن بیستم، از رشته ای که به هم پیوسته شدند با نگاه اخلاقی / فلسفی به آموزش و پرورش و به وسیله اصولی از متفکران آموزشی عالی در گذشته تغذیه شدند تا جزئیاتی از

1 Bourdieu

2 Bogdan

3 Cowen & Mitter & García Garrido & Olivera & Ferrer & Martínez

4 Cowen

ارائه علوم اجتماعی در رده های خود را توصیف می کند. بنابراین، علوم خاص آموزش و پرورش، و هسته اخلاقی مطالعات آموزش و پرورش متفاوت شد در فلسفه آموزش و پرورش، تاریخ آموزش و پرورش و مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش شکل گرفت. با این پیشینه تاریخی در ذهن، توسط گارسیا گاریدو<sup>۱</sup> (۱۹۹۶، ص. ۲۰۹) طبقه بندی پیشنهاد شده است یک چارچوب روشن و مفیدی برای اهداف این بحث که یک نسخه ساده در شکل ۵،۱ است ارائه می دهد. او توضیح می دهد که هدف از علوم آموزشی فرایند آموزشی است. این هدف را می توان از سه عنصر اساسی متفاوت درک کرد: موضوعات یا بازیگران فرایندهای آموزشی، اهداف / اهداف تحصیل و وسایلی برای دستیابی به این اهداف. برای گروه بندی اول، او علوم را در رابطه با آن نامگذاری می کند در رابطه با مطالعاتی از موضوعات یا بازیگرانی از آموزش به عنوان علوم انسان شناسی آموزش و پرورش از آنجا که آنها با واقعیت های انسانی برخورد می کنند. اینها عبارتند از روانشناسی، جامعه شناسی و انسان شناسی آموزش و پرورش. گروه دوم، مربوط به وسایل یا شیوه های دستیابی به این اهداف است که او آنها را علوم روش شناسی آموزش و پرورش نامیده است. این شامل آموزگاری، سازمان مدرسه، سیاست آموزش و پرورش، اقتصاد آموزش و پرورش، و برنامه ریزی آموزشی می باشد. در نهایت گروه سوم که مربوط به اهداف آموزش و پرورش است، او آن را علوم زبانی آموزش تعریف می کند، تحت آن او فلسفه و الهیات آموزش و پرورش را طبقه بندی می کند. همه از این سه گروه، تمایل دارند تا بر بخشی از فرایند آموزش تمرکز کنند. بنابراین آنها همچنین می توانند به عنوان علوم تحلیلی آموزش و پرورش نامیده شوند. در مقابل، کسانی هستند که با کل فرآیند آموزش، که او آن را به عنوان علوم انسانی آموزش و پرورش معرفی می کند (به عنوان مثال، به طور کلی تعلیم و تربیت) و در نهایت، در میان این دو، علوم تحلیلی- ترکیبی آموزش و پرورش هستند. آموزش و پرورش، که در ابتدا بخش هایی از آموزش را تحلیل می کند فرایند (تجزیه و تحلیل تاریخی یا مقایسه ای) قبل از رسیدن به یک مطالعه ترکیبی است. آنها می توانند به عنوان یک هدف از مطالعه کل آموزش و پرورش فرآیند یا برخی از جنبه های آن (به عنوان مثال، اهداف، وسیله یا بازیگران) در نظر گرفته شوند. تحت این گروه بندی، گارسیا گاریدو تاریخ آموزش و پرورش و آموزش و پرورش تطبیقی را طبقه بندی می کند. میتره (۱۹۸۲) توزیع منحصر به فردی از این دو موضوع علوم آموزش و پرورش را به عنوان ارائه یک تاریخچه و چشم انداز جغرافیایی، به ترتیب برجسته می کند. علوم تحلیلی- ترکیبی، به طور خاص، امکان برتری بیش از حد انضباطی (یا زیرفایل) مرزهای درون مطالعات آموزش و پرورش، با استفاده از زمان و فضا ابعاد را ممکن می سازد. این چیزی است که علوم تاریخی و تطبیقی به دست می آورند. بنابراین، سورتلند<sup>۲</sup> (۲۰۰۷، ص. ۱۹۷) اشاره می کند که "آموزش تطبیقی" وظیفه سنگینی دارد برای ترکیب و تشخیص توزیع زمینه های مختلفی از سیستم آموزشی که شاخه های فردی آموزش و پرورش به طر جداگانه به آن می پردازد. این ترکیب برای فهمیدن کل فرایندهای آموزشی ضروری است.

در جایگذاری آموزش و پرورش تطبیقی با این چارچوب آموزشی علوم گارسیا گارید بین اهداف مناسبی آموزش و پرورش تطبیقی - در نظر وی، سیستم های آموزشی - و هدف مناسب علوم خاص آموزش و پرورش (روانشناسی، جامعه شناسی، فلسفه و غیره) تمایز قائل شده است. او به پیچیدگی محدودیت های علوم مختلف آموزشی اذعان می کند، و من در اینجا بحث در مورد این موضوع طولانی، را تکرار نخواهم کرد. هدف من در اینجا روشن کردن مشخصه طبیعت آموزش پرورش تطبیقی از این حوزه های دیگر علوم انسانی است و استدلال می کند که به همین دلیل سزاوار جایگاهی در ترسیم علوم آموزشی، علیرغم همپوشانی آشکار در موضوعات و به اشتراک گذاری روش های تطبیقی است. در پاراگراف زیر، من بعضی از شاخه های آن را مانند علوم انسانی ذکر شده در بالا و ارتباط آنها با آموزش و پرورش تطبیقی خواهم گفت. به غیر از موارد دیگر، ایده ها از گارسیا گرفته شده است. من با علوم مردم شناسی شروع کردم، به دنبال آن روش شناختی، سپس علوم زیست شناسی. پس از بحث در مورد این علوم تحلیلی، سپس به بررسی علم تحلیلی- ترکیبی تاریخ آموزش و پرورش می پردازم.

## روانشناسی آموزش و پرورش

این شاخه روانشناسی مربوط به فرایند آموزشی و به ویژه بازیگران آموزش و پرورش، تعاملات آنها و روابط بین فرد و فرهنگ است. به خصوص مربوط به آموزش تطبیقی زیر بناهای روانشناسی اجتماعی و روانشناسی یادگیری است.

1 García Garrido

2 Sutherland

## جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

به طور کلی، هدف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش شامل "پدیده‌های اجتماعی" و "نهادهای اجتماعی و روابط با مرجع" به آموزش و پرورش و جامعه " (مارتینز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، ص. ۴۵). این آشکارا با اهداف آموزش و پرورش مقایسه‌ای - سیستم‌های آموزشی همپوشانی دارد - که اساسا نهاد های اجتماعی است. سهم خاص از جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به آموزش تطبیقی تجزیه و تحلیل آن از رفتار گروه‌های اجتماعی خاص در زمینه‌های مختلف (آموزشی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) است.

## مردم‌شناسی آموزش و پرورش

این حوزه علوم آموزشی رابط بین آموزش و پرورش انسان‌شناسی فرهنگی است. این مطالعه توسعه آموزش و پرورش در فرهنگ‌های زنده است (در مقابل فرهنگ‌های ماقبل تاریخ، که هدف مطالعات باستان‌شناسی است. مردم‌شناس می‌تواند به آموزش بین فرهنگی درک رفتار انسان و همچنین دانش خود فرهنگ کمک کند (نیکلسون<sup>۲</sup>، ۱۹۶۹، صص ۸-۹، نقل شده توسط گارسیا گاریدو، ۱۹۹۶، ص. ۲۲۴) این امر در آموزش تطبیقی دلایل مشخصی دارد. پس از بحث در مورد علوم که با بازیگران در فرآیند آموزشی، من در حال حاضر علوم را بررسی می‌کنم که با معانی و روش‌های آموزش و پرورش در ارتباط است.

## سازمان مدرسه (همچنین مدیریت آموزشی)

مطالعات سازمان مدرسه، روش‌ها و معانی که کارایی مدارس را تضمین می‌کند، به طور جداگانه در نظر گرفته شده است. متخصصان در مدرسه سازمان / اداره به تجربیات آموزشی خارجی و روش تطبیقی دسترسی دارند. برعکس، تطبیق دهندگان نیاز به یک دانش صحیح مسائل سازمانی مدرسه دارند.

## سیاست آموزش و پرورش

گارسیا گاریدو<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) این شاخه مطالعه را به عنوان علم تعریف می‌کند که حق استفاده از قدرت سیاسی با دیدگاه به دست آوردن بالاترین سطح ممکن از آموزش و پرورش برای شهروندان را بررسی می‌کند. این مربوط به روش‌ها یا راه‌دستیابی به اهداف آموزشی است. آموزش و پرورش برای ارائه دیدگاه انتقادی از سیاست‌های آموزشی در داخل و خارج از کشور نیاز به مقایسه دارد. در عین حال، تطبیق دهندگان باید دانش خاصی از علم سیاست و سیاست‌های آموزشی داشته باشند به خاطر سیستم‌های آموزشی در خود سیستم سیاسی، تحت تاثیر اهداف سیاسی و از طریق ابزارهای سیاسی تاسیس شده است.

در خدمت سیاست‌های آموزشی که شامل اقتصاد آموزش و پرورش، برنامه ریزی آموزشی است می‌باشد. اول، تامین مالی آموزش و پرورش و دوم با استفاده از تجزیه و تحلیل سیستماتیک و منطقی آموزش و پرورش به منظور قادر ساختن آن که به طور موثرتری با نیازها و اهداف دانش‌آموزان و جامعه روبرو شود (کومبز<sup>۴</sup>، ۱۹۷۰، ص ۱۴، نقل شده توسط گارسیا گاریدو، ۱۹۹۶، ص. ۲۳۵).

## فلسفه آموزش و پرورش

گارسیا گاریدو (۱۹۹۶) فلسفه آموزش و پرورش را به عنوان مطالعه اهداف آموزش و پرورش تعریف می‌کند. در مطالعه سیستم‌های آموزشی، آموزش تطبیقی باید اهداف و غایت‌های آموزشی را مورد توجه قرار دهد و نیاز به آشنایی با مفاهیم

1 Martínez

2 Nicholson

3 García Garrido

4 Coombs

فلسفی دارد. لوریرز برای مثال، یک مقایسه گرا بود که یک رویکرد فلسفی را برای شناسایی نظامهای آموزشی جهان در قالب سنت های فلسفی در هر کشوری پایه اتخاذ کرد (مارتینز، ۲۰۰۳، ص. ۴۶).

### تاریخچه آموزش و پرورش

تاریخچه آموزش و پرورش هر دو تاریخچه تفکر آموزشی و واقعیت های آموزشی را مطالعه می کند. گارسیا گاریدو (۱۹۹۶) هر دو تاریخ آموزش و پرورش و آموزش و پرورش تطبیقی به عنوان علوم تحلیلی-ترکیبی را طبقه بندی می کند. رابطه بین این دو حوزه خیلی طولانی و قوی به ویژه در اروپا بوده است، (فرر، ۲۰۰۲، ص ۱۸۹). فرر دو مدرسه تفکر را با توجه به رابطه بین تاریخ آموزش و پرورش و تطبیقی شناسایی می کند: اول، تلفیق این دو شاخه های دانش توسط اردوگاه اجتماعی-تاریخی (به عنوان مثال، آرچر، ۱۹۷۹؛ پیرا، ۱۹۸۹؛ رینگر، ۱۹۹۲؛ شرایور، ۲۰۰۰) و دوم، نقش کمی تاریخ آموزش و پرورش به آموزش تطبیقی تحت حمایت گارسیا گاریدو (۱۹۹۶). فرر این تمایز آشکار را با تفکیک پذیری بوسیله مطالعات تطبیقی همزمان و غیر همزمان حل می کند (۲۰۰۲، صص ۱۹۴-۱۹۳). هنگامی که روش غیر همزمان استفاده می شود، مطالعه بیشتر به طور واضحی متعلق به تاریخ آموزش و پرورش است. با این حال، زمانی که رویکرد همزمان استفاده می شود، تاریخ آموزش و پرورش در خدمت آموزش تطبیقی است، چرا که آنچه غالب است تکامل یک سیستم آموزشی نیست، اما مطالعه چندین سیستم در یک نقطه در زمان است.

### جایگذاری آموزش و پرورش تطبیقی در مطالعات آموزشی

با استفاده از چارچوب تحلیلی ارائه شده توسط گارسیا گاریدو (۱۹۹۶) که طبق اهداف مورد نظر خود علوم آموزشی را طبقه بندی می کند، بحث فوق، موقعیت متمایز تطبیقی آموزش و پرورش را در مطالعات آموزشی روشن کرده است. در حالی که زمینه های تحلیلی از علوم آموزشی یک جنبه مشخص از فرایند آموزشی را مطالعه می کند- بازیگران، وسایل و یا اهداف - و زمینه های مصنوعی (به عنوان مثال آموزش عمومی) تمام روند آموزشی را مقایسه می کند. آموزش و پرورش و همچنین تاریخچه آموزش و پرورش هر دو تحلیلی و جنبه های ترکیبی از منظر فضا و زمان هستند. طبیعت چندگانه آموزش و پرورش تطبیقی، با هدف خاص آن (آموزشی سیستم ها)، وظیفه چالش برانگیز بسیاری از جنبه های مختلف سیستم های آموزشی را دارد.

### آموزش تطبیقی و زمینه های مرتبط

نوعی از انواع مختلف ارائه شده است تا زمینه های مختلف را که مربوط به آموزش تطبیقی است تشخیص دهند. هال (۱۹۹۰، صص ۲۳-۲۴) مدل اولیه تولید شده در شکل ۵، ۲ ارائه شده است. فرر (۲۰۰۲، ص ۱۹۶) به نقل از کار ون داتل (۱۹۹۳)، که در بین واژه های مرتبط تمیز داده شده است: آموزش و پرورش تطبیقی، آموزش بین المللی (به عنوان یک زیرمجموعه آموزش تطبیقی) آموزش و پرورش برای توسعه، و آموزش چند فرهنگی (و بین فرهنگی). اشاره خواهد شد که هال آموزش مقدماتی را به عنوان زمینه اصلی که شامل زیربناهای مانند آموزش بین المللی، آموزش بین فرهنگی و توسعه آموزش و پرورش، در میان دیگران می شود، قرار می دهد.

1 Martínez  
2 Ferrer  
3 Archer  
4 Pereyra  
5 Ringer  
6 Schriewer  
7 Hall  
8 Van daele

در این رابطه، فیلیپس و شولزفورت<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) با قرار دادن آموزش بین المللی به عنوان یک مجموعه مقدماتی از مقایسه آموزش و پرورش تطبیقی به جای "آموزش و پرورش نسبی تطبیقی" و "بین المللی" مخالف هستند. آنها پیشنهاد می کنند آموزش و پرورش تطبیقی" و "بین المللی" "به عنوان" زمینه های وابسته" (۲۰۰۶، ص ۱۵۴؛ همچنین ویلسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴a)، و به عنوان منطبق و اساسا مربوط به نقطه شروع برای ترسیم زمینه مشاهده شدند. (نگاه کنید به شکل ۵،۳). فیلیپس و شولزفورت ادعا می کنند هر دو عبارت - تطبیقی و بین المللی - برای توصیف لازم است. به این دلیل که آموزش و پرورش تطبیقی، بدون ملاک های "آموزش بین المللی" مقدماتی ممکن است هر چیزی را مقایسه کند. [در حالی که] آموزش و پرورش بین المللی بدون مقایسه کردن پایه های فکری خودش را انکار می کند" (۲۰۰۶، ص ۱۵۲-۱۵۳). با این حال، مانزون<sup>۳</sup> (b۲۰۰۸) با ادعای آن ها مخالف است که آموزش تطبیقی و آموزش بین المللی زمینه های متداول هستند زیرا آنها در واقع اجداد مختلف دارند (اپستین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴) و بلکه نهاد های غیر مرتبط ادبی: مریمان بین المللی کمتر از آموزش بین المللی نسبت به معکوس آن صحبت کنید. علاوه بر این، در هم آمیختن زمینه های آموزشی تطبیقی و بین المللی برای برخی از کشورها ب عجیب و غریب بود، همانطور که در تاریخ جامعه حرفه ای نشان داده شده است. (منزون و بری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷) و به همانطور که کاون<sup>۶</sup> (b۲۰۰۹) اشاره می کند، از لحاظ سیاسی، در واژه های از سیاست خارجی ایالات متحده و بریتانیا جای گرفته بود. بنابراین طبقه بندیهای مختلف می توانند به عنوان حرکت های متنوع گسسته برای تعریف یک یا چند تعریف دیگر از زمینه با قرار دادن بصری آن موقعیت با زمینه های مرتبط مشاهده شوند. هال (b۱۹۹۰) آموزش های تطبیقی را به عنوان یک زمینه چترگونه در برگیرنده طیف وسیعی از فعالیت های آموزشی بین المللی است، از جمله شامل آموزش و پرورش بین المللی. در مقابل، فیلیپس و شولزفورت (۲۰۰۶) آموزش مقدماتی و آموزش بین المللی را بر پایه برابر با یکدیگر، با در نظر گرفتن زمینه های جدایی ناپذیر و همزیستی می دانند.

برای اهداف بحث، من از روش هال استفاده می کنم. پس از دادن مختصر تعریفی از این سرفصل های مهم، من به دنبال توضیح شرایط هستم که در ادبیات اخیر بحث شده است یعنی آموزش و پرورش خارجی آموزش بین المللی، آموزش و پرورش توسعه آموزش جهانی، و آموزش بین فرهنگی. من بخشی از نظریه چنگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) را در این رویکرد دنبال می کنم که ارتباط بین آموزش تطبیقی و اینها را توضیح داد دیگر زمینه های تحقیق، هرچند او از آموزش بین فرهنگی جلوگیری می کند. حال تحت رده اول، مطالعات تطبیقی را به دو دسته تقسیم می کنند: آموزش و پرورش تطبیقی به مطالعه تدریس و فرایند کلاس درس در کشورهای مختلف مراجعه می کند. تجزیه و تحلیل درون آموزش و پرورش و درون فرهنگی دربردارنده تحقیقات:

آموزش و پرورش در مراتب گوناگون و همچنین تحقیقات نظامند نیروهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فلسفی است که بوسیله شخصیت سیستم آموزش و پرورش و مقایسه نتایج بدست آمده در دو یا تعداد بیشتری از سیستم های یک ناحیه یا حتی در مقیاس جهانی بخشی تصمیم گیری می شود و بخشی تصمیم گیری شده است.

دومین مقوله آموزش و پرورش برون مرزی و یا آموزش و پرورش خارجی است که شاخه هایی از سیستم های آموزشی و یا سیستم خود را مطالعه می کند. گروه سوم آموزش و پرورش بین المللی است که به قسمت های زیر تقسیم می شود: تدریس بین المللی که مطالعه تدریس به گروههای چندملیتی، چند فرهنگی، چندزادی است یا آموزش و پرورش گروههای اقلیت نژادی یا زبانی، همچنین این مطالعه موضوعات آموزش و پرورش برای فهم بین المللی آموزش و پرورش صلح، مطالعه جمعیت بین المللی و بوم شناسی است. در این میان مطالعه کار موسسات آموزشی بین المللی با تدریس و آموزش بین المللی همپوشانی دارد، اما در رابطه با موضوعات سیاسی، ارتقا تجهیزات آموزشی، ایجاد پذیرش بین المللی از مدارک تحصیلی. آخرین

1 Phillips and Schweisfurth

2 Wilson

3 Manzon

4 Epstein

5 Manzon & Bray

6 Cowen

7 Cheng

گروه‌بندی بوسیله هال مورد آزمایش قرار گرفته آموزش و پرورش توسعه است که با تولید اطلاعات و برنامه‌هایی برای کمک به سیاست‌گذاران، توسعه روش‌های مناسب آموزش و تربیت پرسنل برای اجرای برنامه‌ها سرو کار دارد.

## آموزش و پرورش خارجی

واژه‌ای که اغلب با آموزش و پرورش تطبیقی در دوره ابتدایی ارتباط داشت یا اشتباه گرفته می‌شد آموزش و پرورش خارجی است. روست<sup>۱</sup> مفهوم آموزش و پرورش خارجی فروردیش شنايدر<sup>۲</sup> شامل کارهایی که عمدتاً پدیده‌های آموزش را شرح و توصیف می‌کند در یک کشور خاص را مدنظر قرار می‌دهد. این شبیه آنچه بردی<sup>۳</sup> به عنوان حوزه مطالعه که به شکل طبیعی با یک کشور یا منطقه در ارتباط است شناسایی کرده در تقابل با مطالعات تطبیقی که داده‌ها را از کشورهای مختلف برای مطالعه کنار هم قرار می‌دهد و به طور مشابه واحدهای تحلیلی آن‌ها را مقایسه می‌کند. روست، به هر حال بحثی در این مورد دارد که مطالعات توصیفی اکثراً تک‌کشوری و قابل طبقه‌بندی به عنوان آموزش و پرورش خارجی نیستند. آن‌ها همچنین می‌توانند تطبیقی باشند اگر همه آن‌ها به خوانندگان خارج از سیستم آموزشی اجازه دهند که بفهمند چگونه مشکلات سیستم ممکن است مشکلات جای دیگر را روشن کنند یا آیا بر تئوری‌های عمومی بیشتری تکیه دارد و یا مورد آزمون قرار می‌دهد. این ملاک‌ها با آنهایی که بر طبق موفقیت‌های روست بنا شده اند تفاوت دارند بعنوان ویرایشگر کتاب: مروری بر آموزش و پرورش تطبیقی اروین هیسفن<sup>۴</sup> مانند اندرسون<sup>۵</sup>، ۱۹۶۱).

آموزش و پرورش خارجی در ادبیات معاصر و نام‌های موسسه‌ای کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. کاربرد آن در دهه ۱۹۵۰ می‌تواند به وسیله نظریه‌های حاضر تغییر کند (مانزن و بری<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷، صص ۳۵۳). موسسات در آلمان شرقی (جمهوری دموکراتیک آلمان) واژه آموزش و پرورش خارجی یا آموزش و پرورش خارج از مرز را برای توصیف آثار شامل ترجمه‌های مقالات نویسندگان خارجی به کار برده است. آن‌ها هیچ وقت واژه آموزش و پرورش تطبیقی را به دلیل حساسیت‌های سیاسی تا قبل از اتحاد دو آلمان در ۱۹۵۹ به کار نبرده اند.

## آموزش و پرورش بین‌المللی

بریی<sup>۷</sup> بحثی را که سعی کرده است آموزش و پرورش بین‌المللی دنبال کرده و تفاوت آن با آموزش و پرورش تطبیقی را مطرح کرده است، او چهار معنی مختلف آموزش و پرورش را بیان نموده است:

اول اسکانلون و شیلدز<sup>۸</sup> آموزش و پرورش بین‌المللی را به عنوان انواع مختلفی از روابط آموزشی و فرهنگی در میان ملت‌ها تعریف کرده‌اند. با تفاوت قائل شدن آموزش و پرورش تطبیقی از این تعریف اسپیتن<sup>۹</sup> ادعا می‌کند که آموزش و پرورش بین‌المللی از آموزش و پرورش تطبیقی کمتر علمی تر است و بنابراین بسیار کمتر با تجزیه و تحلیل و مطالعه سروکار دارد در عوض بیشتر با تمرین و اجرای اهداف سیاسی سروکار دارد. او بعداً آموزش و پرورش تطبیقی را به عنوان زمینه مطالعه که نظریه‌ها و روش‌های تاریخی، فلسفی، علوم اجتماعی را برای مسائل بین‌المللی بکار می‌برد. در مقابل آن با آموزش و پرورش بین‌المللی که تمرکز بر دانش و نگرش‌های بین‌المللی را تقویت می‌کند و در میان دیگر فاکتورها دانش آموزان، معلمان، رهبران مدارس را برای یادگیری از یکدیگر و در مورد هم گردآوری می‌آورد. او ادعا می‌کند که مقایسه‌گرها در درجه اول رهبران مدارس هستند که علاقه مند به توضیح و تحلیل این موضوع هستند که چرا سیستم‌ها و فرایندهای آموزشی گوناگون هستند و چگونه آنها به زمینه‌های وسیعتر اجتماعی شان وابسته هستند. در حالی که مریان بین‌المللی بیشتر بر روی اطلاعات توصیفی که در

1 Rust

2 Friedrich Schneider

3 Bereday

4 Erwin H. Epstein

5 Anderson

6 Manzon and Bray

7 Bray

8 Scanlon and Shields

9 Epstein

مورد و سیستم های آموزشی جوامع تمرکز دارند و در سیاست گذاری تغییرات در مناطق بین المللی و فهم آن درگیر هستند. این تعریف دوم از آموزش و پرورش بین المللی به نظر متفاوت از نظریه اسکنلون و شیلدز<sup>۱</sup> در خصوص بیان محدودیت های خود در زمینه ها درخصوص آموزش و پرورش رسمی است.

ویلسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۴، ص ۴۵۲) با مشارکت مفهوم سازی یکپارچه آموزش تطبیقی در مقابل آموزش بین المللی اپستین موافقت می کند. در عوض، او ادعا می کند این دو زمینه - آموزش تطبیقی و آموزش بین المللی - دو زمینه دوقلو هستند و مرز بین المللی با بهبود سیستم های آموزشی ملی از طریق وام گرفتن یا انتقال مدل های آموزشی، شیوه ها، نوآوری های دیگر ملی سیستم های آموزشی مواجه بودند. به این ترتیب ویلسون اهداف زیبایی شناختی را به عنوان یک عامل متمایز آموزش بین المللی "تخصیص" می دهد. در این طبقه بندی، او کار "پرسنل در دو جنبه، چند جنبه و سازمان های غیر دولتی که در مطالعات ملی حضور دارند، را نام می برد که معمولاً به یک پروژه توسعه "مرتبط هستند (ص ۴۵۵). چندین نفر دیگر این را به روشنی بیان می کنند ویژگی های کاربردی و عمل گرا از مطالعات بین المللی، به عنوان کمک توسعه بین المللی (به عنوان مثال، کروسلی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ واتسون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹) نیز درک شده است.

تعریف دیگری که توسط بری (۲۰۰۷) نقل شده است از پست لت ویت<sup>۵</sup> است (پی ایکسوی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸، b) که تحت عنوان "آموزش بین المللی" طبقه بندی می شود. آن مطالعات که "مقایسه نمی کنند، بلکه توصیف، تجزیه و تحلیل و یا پیشنهادات برای یک جنبه خاص آموزش و پرورش در یک کشور دیگر به غیر از کشور خود نویسنده مطرح می کنند. آموزش تطبیقی پست لت ویت مشخص می کند، با بررسی "مقایسه"، با بررسی دو یا نهاد های بیشتر (بین یا در داخل سیستم های آموزشی) با کنار هم قرار دادن آنها و به دنبال شباهت ها و تفاوت ها بین آنها یا میان آنها است. بنابراین پست لت ویت برای آموزش تطبیقی استفاده صریح از منابع را ذخیره می کند روش تطبیقی و برگزاری دوره آموزشی بین المللی گسترده ای از مطالعات غیر تطبیقی، توصیفی و / یا کاربردی خارجی است.

مقایسه تعاریف مختلف آموزش بین المللی در بالا اشاره شده است، عناصر زیر تمایل دارند آن را از آموزش و پرورش تطبیقی متمایز کنند: آموزش بین المللی به صراحت تطبیقی نیست، آموزش بین المللی در یک کشور / فرهنگ خارجی، یک هدف عملی / کاربردی، عمل می کند. نگرانی ها برای تقویت مبادلات بین المللی و درک، و با کار سازمان های آموزشی بین المللی وجود دارد.

با این حال، تعاریف آموزش بین المللی به وسیله رهبران آموزش بین المللی (که ممکن است به صراحت خود را به عنوان مقایسه کننده ها قلمداد نکنند) دیدگاه های مختلفی از موارد فوق ارائه می دهند. کمبریج و تامپسون<sup>۷</sup> (۲۰۰۴) استفاده از اصطلاح "بین المللی" را شناسایی می کنند. آموزش و پرورش "با کار مدارس بین المللی (به عنوان مثال، لاو<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸). همراه با این استفاده، آنها دو تفسیر فعلی از آموزش بین المللی را معرفی کردند. یکی از ایدئولوژی های بین المللی انحطاط را دنبال می کند، که تعالیم بین المللی را با توسعه نگرش های بین المللی، آگاهی بین المللی، جهانی نگرستن، درک بین المللی شناسایی می کند (همچنین Gellar، 2002). دیگری روی خط است با روند عملی "جهانی" که مربوط به "بازار" است که نیاز به صدور گواهینامه جهانی مدارک تحصیلی دارد (ص ۱۷۳).

علاوه بر این، اهداف آموزش بین المللی با آثار بعضی از نویسندگان ترکیب شده است. (به عنوان مثال، سیلوستر، ۲۰۰۷، ص ۱۱؛ وستال، ۱۹۹۴) شامل آموزش و پرورش برای درک بین المللی و آموزش برای شهروند جهانی، ارتباط آن با فعالیت ها و رشته های موضوعی تحت نام امور بین المللی، آموزش جهانی، آموزش چند فرهنگی، آموزش صلح، برنامه های تبادل، جهانی سازی و مطالعات بین فرهنگی طبقه بندی می شود. سردرگمی بیشتر توسط مارشال (۲۰۰۷) با استفاده گسترده از "آموزش

1 Scanlon & Shield

2 Wilson

3 Crossley

4 Watson

5 Postlethwaite

6 p.xvi

7 Cambridge and Thompson

8 Lowe



جهانی" مطرح شده است. (نگاه کنید به زیر). علی رغم این محدودیت ها، مقایسه گران می فهمند که آموزش و پرورش و آموزش بین الملل مکمل یکدیگر هستند. بدین ترتیب کراسلی (۱۹۹۹؛ همچنین Watson & Crossley، 2003) پیشنهاد بازسازی و رویکرد اساسی دو زمینه را پیشنهاد می کند. اپستین (۱۹۹۴، ص ۹۲۲) این رابطه همزیستی بین این دو را توضیح می دهد:

آموزش بین المللی، با تنظیم چارچوب مشاهدات آموزش و پرورش در کشورهای دیگر، نقطه شروع برای آموزش و پرورش تطبیقی است. آموزش و پرورش تطبیقی، با گسترش امکانات تجزیه و تحلیل به مشاهدات انجام شده معنی می دهد تا آموزش بین المللی را ممکن سازد. برای درک اینکه چرایی و چگونگی عملکرد چیزی مستلزم تحقیق در رابطه با بخش های آن است. آمار بی شماری را می توان در آموزش و پرورش در یک کشور خاص جمع آوری کرد وقتی آنها در یک چارچوب تطبیقی پذیرفته نشوند تجزیه و تحلیل محدود خواهد شد.

### نتیجه گیری

از بُعد روش شناسی، نگرش مقایسه ای باعث می شود پژوهشگران نظام های آموزشی از شباهت ها و تفاوت های موجود در میان پدیده های آموزشی آگاه شوند و از هرگونه نگرش افراطی در پذیرش یا رد الگوهای مو فق نظام های آموزشی دیگر دوری جویند.

آموزش و پرورش تطبیقی می تواند پویایی نظام های آموزشی را برای مدیران و عاملان آنها روشن سازد. نمی توان نظام های آموزشی را بدون شناخت و پذیرش پویایی و پیچیدگی پدیده های آموزشی از بیرون اداره کرد. آموزش و پرورش تطبیقی به بهبود نظام های آموزشی نیز کمک می کند. مسئولان نظام های آموزشی با شناخت وضعیت گذشته و موجود این نظام ها می توانند بهتر عمل کنند.

یکی از یافته های مهم پژوهش های تطبیقی در آموزش و پرورش این است که نظام های آموزشی در ارتباط دائم و لازم با دیگر نظام های پیرامون (فرهنگ، اقتصاد و سیاست...) عمل کند؛ از این رو نمی توان پیرامون مدرسه حصار کشید تا دانش آموزان را جدا از متن جامعه تربیت کرد.

### منبع:

متن ترجمه بخشی از کتاب زیر است:

Manzon, M. (2011). *Comparative education: The construction of a field*. Hong Kong: Comparative Education Research Centre.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی